

بررسی جایگاه اندیشه مهدی باوری در رادیکال سازی جبهه مقاومت

لیلا خدابخشی^۱، راحله بطلانی اصفهانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴

چکیده:

این مقاله به بررسی جایگاه اندیشه مهدی باوری در فرآیند رادیکال سازی جبهه مقاومت می پردازد و تأثیرات آن بر شکل گیری و تقویت گفتمان های مقاومتی را تحلیل می کند. اندیشه مهدویت، به ویژه در تفسیرهای خاص آن که توسط گروه های مقاومتی مانند حزب الله لبنان و انصارالله یمن استفاده می شود، نقش مهمی در رادیکال سازی و مشروعیت بخشی به مبارزات ضد استعماری، ضد اسرائیلی و ضد ظلم ایفا کرده است. این اندیشه، با بهره برداری از مفاهیمی مانند "انتظار" و "ظهور حضرت مهدی"، انگیزه های قوی برای مبارزه در برابر بی عدالتی ها و قدرت های جهانی به وجود می آورد. در این راستا، گروه های مقاومتی به طور مؤثر از آموزه های مهدوی برای بسیج مردم و تقویت هویت دینی و فرهنگی جوامع خود استفاده می کنند. در این تحقیق، از روش تحلیل محتوا و بررسی کیفی داده ها برای تحلیل تأثیرات اندیشه مهدویت در گفتمان های مقاومتی استفاده شده است. داده ها از منابع مختلف شامل مقالات، کتاب ها و گزارش های گروه های مقاومتی جمع آوری شده اند. این منابع به طور عمده شامل نوشتارهای فکری و ایدئولوژیک منتشر شده از سوی گروه هایی مانند حزب الله و انصارالله هستند که تفسیرهای مهدوی را در مبارزات خود به کار می برند. همچنین، برای تحلیل تأثیرات بین المللی این اندیشه، از داده های رسانه ای و گزارش های تحلیل گران سیاسی استفاده شده است. اما این اندیشه، در برخی موارد، می تواند به تشدید تنش های مذهبی و قومی منجر شود. تفسیرهای افراطی از اندیشه مهدویت می تواند زمینه ساز خشونت، درگیری های داخلی و بحران های منطقه ای شود. این مقاله همچنین به چالش های بین المللی ناشی از این اندیشه پرداخته و تأثیر آن بر سیاست های جهانی، به ویژه در برابر قدرت های غربی و اسرائیل را تحلیل می کند. به طور کلی، اندیشه مهدویت به عنوان یک موتور محرکه برای جبهه مقاومت در برخی موارد موجب تقویت گفتمان های رادیکال و افراطی شده است، اما در عین حال ظرفیت هایی برای بهره برداری مثبت و معتدل از این اندیشه در جهت تحقق اهداف مقاومتی و برقراری عدالت جهانی دارد.

واژگان اصلی: اندیشه مهدویت، جبهه مقاومت، رادیکال سازی، تفسیرهای افراطی، تنش های مذهبی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

Leila.kh@iau.ac.ir

۲. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مقدمه

اندیشه مهدویت به‌عنوان یکی از مبانی کلیدی تفکر شیعی، نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت گفتمان‌های مقاومت در جوامع اسلامی ایفا کرده است. این اندیشه که بر ظهور منجی عدالت‌گستر و برپایی حکومتی عادلانه بر اساس آموزه‌های الهی تأکید دارد، از دیرباز الهام‌بخش حرکت‌های اجتماعی و سیاسی بوده است (امیرمعزی، ۱۴۰۲). مفهوم مهدویت، با تأکید بر مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی، زمینه‌ساز بسیج نیروهای اجتماعی برای ایستادگی در برابر سلطه‌گری و استعمار شده است. در این میان، جبهه مقاومت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جریان‌های سیاسی و ایدئولوژیک در جهان اسلام، از مؤلفه‌های اندیشه مهدوی برای مشروعیت‌بخشی به گفتمان خود استفاده کرده است (نصر، ۲۰۲۲).

نقش مهدویت در گفتمان مقاومت را می‌توان در سه حوزه اصلی بررسی کرد. نخست، مهدویت به‌عنوان یک عامل هویتی و ایدئولوژیک، انسجام درونی نیروهای مقاومت را تقویت کرده و به آن‌ها احساس همبستگی و رسالت مشترک بخشیده است (سجادی، ۱۴۰۰). این انسجام نه‌تنها در میان گروه‌های شیعی بلکه در میان سایر جریان‌های اسلامی که به ایده منجی‌گرایی و مبارزه با سلطه خارجی معتقدند، قابل مشاهده است (دباشی، ۲۰۲۳). دوم، مهدویت به‌عنوان یک نیروی محرکه، الهام‌بخش اقدامات مقاومت در برابر اشغالگری و استبداد بوده و آن را به‌عنوان وظیفه‌ای دینی و تاریخی تعریف کرده است (کدی، ۲۰۲۱). بسیاری از رهبران مقاومت، با استناد به آموزه‌های مهدوی، مبارزه خود را در امتداد حرکت نیروهای حق در طول تاریخ توصیف می‌کنند و بدین ترتیب، مشروعیت ایدئولوژیک خود را تقویت می‌نمایند (الگار، ۲۰۲۳). سوم، گفتمان مهدویت از طریق ادبیات دینی، تبلیغات رسانه‌ای و آموزش‌های فرهنگی، به‌عنوان ابزاری برای تقویت روحیه مبارزه‌جویی و افزایش تاب‌آوری در برابر فشارهای خارجی عمل کرده است (کوک، ۲۰۲۳).

در جهان معاصر، که نظام‌های استکباری با بهره‌گیری از ابزارهای جدید مانند رسانه‌ها، اقتصاد جهانی و سیاست‌های نفوذ فرهنگی به دنبال تحمیل هژمونی خود هستند، اهمیت اندیشه مهدویت دوچندان شده است. استعمار نوین و استبداد پنهان، که با ظاهری دموکراتیک و ابزارهای نرم‌افزاری اعمال می‌شود، چالشی بزرگ برای ملت‌های مسلمان ایجاد کرده است. در این شرایط، گفتمان مهدویت می‌تواند به‌عنوان یک الگوی مقاومت، نقش مهمی ایفا کند. این گفتمان با تأکید بر آموزه‌هایی چون مبارزه با ظلم در تمامی ابعاد آن، عدالت‌خواهی و

تقویت امید به تغییر شرایط، به ویژه در میان نسل جوان، تأثیرات عمیقی داشته است (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

در کنار این تأثیرات، بررسی انتقادی این مسئله نیز ضروری است. در برخی موارد، برداشت‌های افراطی از اندیشه مهدویت به رادیکالیزه شدن گفتمان مقاومت و گرایش به اقدامات خشونت‌آمیز منجر شده است (اسپوزیتو، ۲۰۲۳). در این راستا، برخی گروه‌های تندرو با تفسیری خاص از آموزه‌های مهدوی، اقدام به مشروعیت‌بخشی به راهبردهای تهاجمی خود کرده‌اند که این امر می‌تواند به چالش‌های داخلی و بین‌المللی برای جنبش‌های مقاومت منجر شود (فیلیو، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، برخی تحلیلگران معتقدند که تأکید بیش از حد بر بعد ایدئولوژیک مهدویت در گفتمان مقاومت، ممکن است موجب کاهش انعطاف‌پذیری سیاسی این جریان‌ها در تعاملات بین‌المللی شود (احتشامی، ۲۰۲۳).

اندیشه مهدویت علاوه بر آنکه مفهومی دینی و الهی است، ابعاد اجتماعی و سیاسی برجسته‌ای دارد. این اندیشه نه تنها یک نیروی محرک فردی برای تحمل دشواری‌ها و امید به آینده‌ای بهتر است، بلکه چارچوبی برای سازمان‌دهی مبارزات اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورد.

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر اندیشه مهدویت بر شکل‌گیری و تقویت گفتمان‌های مقاومت می‌پردازد و تلاش می‌کند با استفاده از منابع تاریخی، جامعه‌شناختی و علوم سیاسی، ابعاد مختلف این مسئله را تحلیل نماید. مسئله اصلی این مقاله، این است که چگونه اندیشه مهدوی توانسته است به‌عنوان یک نیروی محرکه در تحولات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام عمل کند و چه پیامدهایی برای آینده گفتمان‌های مقاومت خواهد داشت؟

اهمیت و ضرورت بررسی

بررسی جایگاه اندیشه مهدی‌باوری در رادیکال‌سازی جبهه مقاومت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این اندیشه به‌طور مستقیم در شکل‌گیری گفتمان‌های مقاومتی و تحولات سیاسی و اجتماعی در جوامع اسلامی تأثیر می‌گذارد. اندیشه مهدوی، که ریشه در باورهای مذهبی مسلمانان به‌ویژه در بین شیعیان دارد، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی برای تبیین و تعریف مبارزات ضد استعماری و ضد ظلم در دنیای اسلام مطرح است. این اندیشه به‌ویژه در

گروه‌های مقاومتی مانند حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت دینی و سیاسی آنها ایفا کرده و به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به مبارزات‌شان در برابر قدرت‌های بزرگ جهانی و رژیم‌های اشغالگر، از جمله اسرائیل، عمل کرده است (سلیمانی، ۱۳۹۸؛ نصرالله، ۱۳۹۷).

از این رو، بررسی دقیق و جامع جایگاه اندیشه مهدویت در این گروه‌ها و تأثیر آن بر رادیکال‌سازی جبهه مقاومت ضروری است، زیرا این اندیشه به‌ویژه در تفسیرهای خاص، انگیزه‌های قوی برای مبارزه در برابر بی‌عدالتی و فساد ایجاد کرده است (حسینی، ۱۳۹۷). مفهوم "انتظار" و "ظهور حضرت مهدی" در بین این گروه‌ها به‌عنوان اهرم محرک برای بسیج مردم و ایجاد شور انقلابی استفاده می‌شود. این مفاهیم، علاوه بر ایجاد یک هویت مشترک و انگیزه مذهبی، به‌طور خاص در تقویت گفتمان‌های ضد استعماری و ضد صهیونیستی نقش مهمی ایفا کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۹).

با این حال، ضرورت بررسی این موضوع تنها به جنبه‌های مثبت آن محدود نمی‌شود، بلکه تأثیرات منفی این اندیشه نیز باید مورد توجه قرار گیرد. تفسیرهای افراطی از اندیشه مهدویت می‌تواند موجب تشدید تنش‌های مذهبی و قومی در منطقه و بروز خشونت‌های افراطی شود (امامی، ۱۳۹۹). در مناطقی مانند یمن، عراق و سوریه که گروه‌های مختلف مذهبی و فرقه‌ای حضور دارند، تفسیرهای متفاوت از مفاهیم مهدوی ممکن است به تقویت تضادها و درگیری‌های داخلی منجر شود که تهدیدی جدی برای امنیت منطقه و جهانی به‌شمار می‌آید (آشتیانی، ۱۳۹۸).

تحلیل جایگاه اندیشه مهدی‌باوری در فرآیند رادیکال‌سازی همچنین به بررسی چالش‌های بین‌المللی آن نیز اهمیت دارد. واکنش‌های کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی، در برابر این اندیشه و تأثیرات آن بر سیاست‌های جهانی، به‌ویژه در رابطه با مبارزات ضد غربی و ضد صهیونیستی، قابل توجه است (محمدی، ۱۴۰۰). کشورهای غربی، نگرانی‌هایی در خصوص تأثیر این اندیشه بر امنیت جهانی دارند، زیرا از این آموزه‌ها برای تقویت گفتمان‌های مخالف قدرت‌های جهانی و اسرائیل استفاده می‌شود.

در نهایت، ضرورت این تحقیق درک عمیق‌تری از تأثیرات مثبت و منفی اندیشه مهدویت در رادیکال‌سازی جبهه مقاومت است. این بررسی می‌تواند زمینه‌ساز تدوین

استراتژی‌های مناسبی برای بهره‌برداری مثبت از این اندیشه در جهت تحقق اهداف مقاومتی و برقراری عدالت جهانی باشد، در حالی که از پیامدهای منفی آن جلوگیری شود.

سوال های تحقیق

۱. چگونه اندیشه مهدی‌باوری در جلب حمایت و ایجاد انسجام درونی در میان گروه‌های مقاومت اسلامی تأثیرگذار بوده است؟
۲. چه رابطه‌ای میان تفسیرهای مختلف از اندیشه مهدی‌باوری و گرایش‌های رادیکال در گفتمان‌های مقاومت وجود دارد؟
۳. آیا تأکید بیش از حد بر ابعاد ایدئولوژیک مهدویت در گفتمان‌های مقاومت موجب کاهش انعطاف‌پذیری سیاسی و آسیب به تعاملات بین‌المللی گروه‌های مقاومت می‌شود؟

پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی جایگاه اندیشه مهدی‌باوری در رادیکالیزاسیون جبهه مقاومت، پژوهش‌های متعددی به تحلیل ابعاد مختلف این موضوع پرداخته‌اند. در ادامه، به ده پیشینه پژوهشی جدید در این حوزه همراه با نتایج مبسوط‌تر آن‌ها اشاره می‌شود:

کاظمی (۱۴۰۳) به بررسی تأثیر اندیشه مهدی‌باوری بر ائتلاف‌های سیاسی در جبهه مقاومت اسلامی پرداخت، این پژوهش به بررسی تأثیر آموزه‌های مهدوی بر شکل‌گیری ائتلاف‌های سیاسی در جبهه مقاومت می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که اندیشه مهدوی به‌عنوان یک عامل وحدت‌بخش، به گروه‌های مقاومت این امکان را می‌دهد که از تفرقه‌ها اجتناب کرده و در مقابله با تهدیدات خارجی به یک جبهه متحد تبدیل شوند. این امر همچنین به تقویت استراتژی‌های مشترک در برابر دشمنان کمک کرده است.

رضایی (۱۴۰۲)، به بررسی نقش اندیشه مهدی‌باوری در تحریک افکار عمومی به سمت خشونت در جبهه مقاومت پرداخت، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه مهدی‌باوری در برخی گروه‌های مقاومت موجب تحریک افکار عمومی و بسیج نیروهای جوان برای اقدامات تهاجمی و خشونت‌آمیز شده است. این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که برخی از رهبران گروه‌های مقاومت از آموزه‌های مهدوی برای توجیه اقدامات خود و تبدیل آن به یک جهاد

مشروع استفاده کرده‌اند که در نهایت به رادیکالیزه شدن رفتارهای نظامی منجر شده است. موسوی (۱۴۰۱)، به تحلیل تطبیقی جایگاه اندیشه مهدی‌باوری در گروه‌های مقاومت شیعی و سنی پرداخت. نتایج نشان می‌دهند که گروه‌های شیعی بیشتر از اندیشه مهدی‌باوری برای مشروعیت‌بخشی به مبارزات خود استفاده می‌کنند، در حالی که گروه‌های سنی بیشتر بر جنبه‌های سیاسی و اجتماعی آموزه‌های مهدوی تأکید دارند. این تفاوت‌ها تأثیرات مستقیمی بر استراتژی‌های مبارزاتی هر دو گروه داشته است.

دریاوند (۱۴۰۲)، به بررسی اندیشه مهدی‌باوری و نقش آن در تقویت روحیه مبارزه در جبهه مقاومت پرداختند، این پژوهش به بررسی تأثیر اندیشه مهدی‌باوری بر روحیه مبارزه و استقامت در گروه‌های مقاومت پرداخته است. نتایج نشان می‌دهند که ترویج آموزه‌های مهدوی در میان اعضای گروه‌های مقاومت، باعث تقویت ایمان و روحیه مبارزه در برابر دشمنان شده است. این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که باور به ظهور مهدی و وعده‌های دینی مرتبط با آن، نیروهای مقاومت را به‌طور معنوی تقویت می‌کند و موجب می‌شود که از مشکلات و چالش‌های سخت رهایی یابند.

حسینی (۱۴۰۲)، به بررسی رابطه اندیشه مهدی‌باوری و تحول استراتژی‌های نظامی در گروه‌های مقاومت پرداخت، نتایج تحقیق نشان می‌دهند که آموزه‌های مهدوی موجب تغییر در رویکردهای نظامی گروه‌های مقاومت، به‌ویژه در تقویت دفاع طولانی‌مدت و اجرای عملیات‌های انتقامی علیه دشمنان شده است. این تحقیق تأکید دارد که اندیشه مهدوی به‌ویژه در شرایط جنگ‌های فرسایشی و مقاومتی، به‌عنوان یک نیروی معنوی برای هدایت استراتژی‌های نظامی عمل کرده است.

امیرمعزی (۱۴۰۲)، به بررسی تأثیر اندیشه مهدی‌باوری بر شکل‌گیری هویت جمعی در گروه‌های مقاومت اسلامی پرداخت، این پژوهش نشان می‌دهد که آموزه‌های مهدوی به‌ویژه در گروه‌های مقاومت شیعی، به‌عنوان ابزاری مهم در ایجاد هویت جمعی و انسجام درونی عمل کرده است. ترویج اندیشه‌های مهدوی باعث تقویت همبستگی درونی میان اعضای گروه‌های مقاومت می‌شود و از این طریق به ایجاد یک هویت مشترک برای مقابله با تهدیدات خارجی و داخلی می‌انجامد. این انسجام گروهی در جلب حمایت‌های مردمی و ایجاد یک خط مقاومت مشترک اهمیت ویژه‌ای داشته است.

نصر (۲۰۲۲)، به بررسی رابطه تفسیرهای مختلف از اندیشه مهدی باوری و گرایشات رادیکال در جبهه مقاومت پرداخت، نتایج نشان می‌دهند که برخی تفسیرهای افراطی از این آموزه‌ها به تشدید گرایشات رادیکال در گروه‌های مقاومت منجر شده‌اند. در این پژوهش تأکید شده که برخی تفسیرها باعث شده‌اند که مقاومت به‌عنوان یک جهاد مشروع در برابر ظلم و بی‌عدالتی به خشونت‌های فراگیر و رادیکال منجر شود.

کدی (۲۰۲۱) به بررسی نقش اندیشه مهدی باوری در مشروعیت‌بخشی به استراتژی‌های مقاومت پرداخت، نتایج این تحقیق نشان داد که اندیشه مهدی باوری به‌عنوان یک ابزار مشروعیت‌بخشی، برای گروه‌های مقاومت در مبارزه علیه استعمار، سلطه‌گری و بی‌عدالتی اهمیت بسیاری دارد. این آموزه‌ها به گروه‌ها کمک می‌کند تا اقدامات خود را در قالب مبارزه‌ای مشروع علیه دشمنان توجیه کنند. پژوهش همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که بهره‌گیری از آموزه‌های مهدوی موجب افزایش روحیه مقاومت و انگیزه مبارزاتی در اعضای گروه‌های مقاومت می‌شود.

الگار (۲۰۲۳) به بررسی تأثیر آموزه‌های مهدوی بر رادیکالیزاسیون جنبش‌های اسلامی معاصر پرداخت، نتایج تحقیق نشان می‌دهند که گاهی این آموزه‌ها به‌عنوان محرک‌های دینی و معنوی برای توجیه اعمال خشونت‌آمیز علیه دشمنان و حتی افراد مخالف استفاده شده است. به‌ویژه در مناطق درگیر جنگ‌های داخلی و خارجی، این آموزه‌ها به ابزاری برای تحریک خشونت و نبردهای شدید تبدیل می‌شوند.

سجادی (۱۴۰۰)، به بررسی تطبیقی تفسیرهای مهدوی در گروه‌های مقاومت و تأثیر آن بر استراتژی‌های مبارزاتی پرداخت، این مطالعه تطبیقی نشان داد که تفسیرهای مختلف از اندیشه مهدوی در میان گروه‌های مقاومت شیعی و سنی منجر به توسعه استراتژی‌های متفاوت در مبارزه با سلطه‌گری و استعمار شده است. برخی گروه‌ها از آموزه‌های مهدوی برای جلب حمایت‌های مردمی استفاده کرده و از آن‌ها به‌عنوان یک عنصر معنوی و ایدئولوژیک برای توجیه مقاومت خود بهره می‌برند.

کوک (۲۰۲۳) به بررسی نقش رسانه‌ها در ترویج اندیشه مهدی باوری و تأثیر آن بر رادیکالیزاسیون جبهه مقاومت پرداخت، نتایج پژوهش نشان داد که رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در ترویج اندیشه مهدوی دارند و این اندیشه‌ها در قالب پیام‌های دینی و فرهنگی به گروه‌های

مقاومت منتقل می‌شوند. این تحقیق تأکید دارد که در برخی موارد، رسانه‌ها به‌ویژه شبکه‌های تلویزیونی و اینترنتی، به‌عنوان ابزاری برای رادیکالیزه کردن افکار عمومی و تحریک گروه‌های مقاومت برای اقدامات افراطی استفاده می‌شوند.

دباشی (۲۰۲۲) تأثیر اندیشه مهدی‌باوری بر شکل‌گیری گفتمان‌های مقاومت در جهان اسلام را مورد بررسی قرار داد، این پژوهش نشان داد که اندیشه مهدوی در ایجاد گفتمان‌های مقاومت در جهان اسلام، به‌ویژه در مقابله با استکبار جهانی، نقش کلیدی داشته است. نتایج تحقیق بیانگر این است که این آموزه‌ها باعث ایجاد یک نوع وحدت میان مسلمانان در جبهه مقاومت شده و به‌ویژه در مبارزات علیه قدرت‌های بزرگ، به‌عنوان یک نیروی معنوی و فکری مهم عمل کرده است.

احتشامی (۲۰۲۳)، به بررسی نقش اندیشه مهدی‌باوری در رادیکالیزاسیون گروه‌های مقاومت در خاورمیانه پرداخت، این تحقیق به تحلیل نقش اندیشه مهدوی در رادیکالیزاسیون گروه‌های مقاومت در خاورمیانه پرداخته و نتایج نشان می‌دهند که در برخی گروه‌ها، این اندیشه به ابزاری برای توجیه اقدامات تهاجمی و خشونت‌آمیز تبدیل شده است. به‌ویژه در جنگ‌های داخلی، این آموزه‌ها برای تأسیس گروه‌های جهادی و بسیج نیروها استفاده شده‌اند. فیلیو (۲۰۲۱)، به بررسی تأثیر اندیشه مهدی‌باوری بر استراتژی‌های نظامی گروه‌های مقاومت پرداخت، پژوهش نشان داد که آموزه‌های مهدوی تأثیر عمیقی بر استراتژی‌های نظامی گروه‌های مقاومت دارند. این اندیشه‌ها موجب شده‌اند که گروه‌ها در مواجهه با دشمنان خود از استراتژی‌های طولانی‌مدت و مقاومتی استفاده کنند و همچنین جنگ‌های نظامی خود را با مشروعیت دینی تقویت کنند.

اسپوزیتو (۲۰۲۳)، به بررسی تأثیر اندیشه مهدی‌باوری بر رادیکالیزاسیون جنبش‌های شیعی در عراق و سوریه پرداخت، نتایج پژوهش نشان داد که آموزه‌های مهدوی تأثیر قابل توجهی بر رادیکالیزاسیون جنبش‌های شیعی در عراق و سوریه داشته است. این آموزه‌ها در تقویت روحیه مقاومت در برابر تهدیدات خارجی و درگیری‌های داخلی نقش ویژه‌ای ایفا کرده‌اند، اما در برخی موارد، به افزایش خشونت‌ها و اقدامات تهاجمی نیز منجر شده‌اند.

این پژوهش‌ها نشان‌دهنده ابعاد مختلف تأثیر اندیشه مهدی‌باوری بر گفتمان‌های مقاومت در جهان اسلام است که در برخی موارد به رادیکالیزاسیون و تغییرات در استراتژی‌های مبارزاتی منجر شده‌اند.

ماهیت اندیشه مهدوی و نقش آن در مقاومت

اندیشه مهدوی یکی از ارکان بنیادین تفکر شیعی است که به ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان منجی جهانی و عدالت گستر ایمان دارد. این اندیشه در ابعاد مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع مسلمان تأثیرات فراوانی داشته و به ویژه در مبارزات و جبهه‌های مقاومت، نقش مهمی ایفا کرده است. آیت الله جوادی آملی در آثار خود به ویژه بر نقش بنیادین این اندیشه در تحقق عدالت جهانی تأکید کرده و معتقد است که هر مسلمانی که به این اندیشه ایمان دارد، باید خود را موظف به مبارزه با ظلم و فساد در ابعاد مختلف اجتماعی و سیاسی بداند. وی همچنین بر لزوم دوری از افراط و خشونت و استفاده از ابزارهای مشروع و عقلانی در مبارزات تأکید می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۴؛ ۱۳۹۶).

اندیشه مهدوی در جبهه‌های مقاومت اسلامی، همچون حزب الله لبنان، حشد الشعبی در عراق و گروه‌های مقاومت در سوریه، به عنوان یک منبع هویتی و ایدئولوژیک در بسیج نیروها و تقویت انسجام درونی این گروه‌ها عمل می‌کند. آموزه‌های شیعی بر این باورند که ظهور حضرت مهدی به عنوان یک پروژه جهانی برای اصلاحات اجتماعی و سیاسی در نهایت تحقق خواهد یافت. آیت الله جوادی آملی بر اهمیت استفاده از ابزارهای مشروع و عقلانی در مبارزات تأکید دارد و می‌گوید که آموزه‌های مهدوی نباید به سمت افراط و خشونت سوق داده شود. از دیدگاه وی، مبارزه برای تحقق عدالت جهانی و مقابله با سلطه‌گران باید بر مبنای اصول انسانی و عقلانی انجام شود (جوادی آملی، ۱۳۹۴).

در بعد سیاسی، اندیشه مهدوی به ویژه در مقابله با استعمار و سلطه‌گری جهانی به عنوان ابزاری مشروعیت‌بخش برای مبارزه با ظلم عمل می‌کند. گروه‌های مقاومت اسلامی با بهره‌گیری از این آموزه‌ها تلاش دارند تا قدرت‌های استعماری و سلطه‌گران جهانی را به عنوان یک تکلیف دینی و تاریخی به چالش بکشند. آیت الله جوادی آملی بر این باور است که مسلمانان باید با ایمان به ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در برابر سلطه‌ها ایستادگی کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۴). علاوه بر وی، مراجع تقلید دیگری همچون آیت الله سیستانی (۱۳۹۵) و آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۴) نیز بر این باورند که اندیشه مهدوی می‌تواند به عنوان یک نیروی محرکه برای ایجاد تحولات اجتماعی و اصلاحات بنیادین در جوامع اسلامی و جهانی مورد استفاده قرار گیرد.

با این حال، باید توجه داشت که تفسیرهای افراطی از اندیشه مهدوی در جبهه‌های مقاومت ممکن است به‌طور محدود و خشونت‌آمیز مورد استفاده قرار گیرد. این تفاسیر می‌توانند منجر به رادیکالیزاسیون و اقدامات خشونت‌آمیز شوند که به‌عنوان انحراف از مسیر اصلی اندیشه مهدوی شناخته می‌شود. آیت‌الله جوادی آملی و دیگر مراجع تقلید تأکید دارند که استفاده از آموزه‌های مهدوی باید در چارچوب‌های عقلانی و انسانی قرار گیرد تا از سوءاستفاده‌های ایدئولوژیک و انحرافات جلوگیری شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

در نهایت، اندیشه مهدوی می‌تواند به‌عنوان یک نیروی اجتماعی و سیاسی در تقویت انسجام اجتماعی و ایجاد انگیزه‌های مبارزاتی در جوامع اسلامی نقش اساسی ایفا کند. این اندیشه نه تنها به‌عنوان یک مبنای فکری بلکه به‌عنوان یک عامل اجرایی در مواجهه با ظلم و فساد جهانی در جبهه‌های مقاومت مطرح است. استفاده صحیح و عقلانی از آموزه‌های مهدوی می‌تواند موجب تحقق عدالت و صلح در جامعه جهانی شود.

آموزه‌های مهدویت و چگونگی پیوند آن با ایدئولوژی مقاومت

اندیشه مهدویت یکی از مفاهیم کلیدی در تفکر شیعی است که تأثیر عمیقی بر هویت دینی، اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی دارد. این آموزه‌ها بر ظهور حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) به‌عنوان منجی جهانی و عدالت‌گستر تأکید دارند و در طول تاریخ، الهام‌بخش حرکت‌های عدالت‌خواهانه و مبارزات ضداستکباری بوده‌اند. در این چارچوب، آموزه‌های مهدویت نه تنها به‌عنوان یک اعتقاد مذهبی، بلکه به‌عنوان یک نیروی محرکه در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی نیز عمل کرده‌اند. جنبش‌های مقاومت اسلامی، به‌ویژه در خاورمیانه، از این مفهوم برای مشروعیت‌بخشی به مبارزات خود و تقویت انسجام نیروهایشان بهره برده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۴؛ صدر، ۱۳۹۳).

در طول تاریخ اسلام، انتظار ظهور منجی همواره با مفهوم مبارزه برای تحقق عدالت و مقابله با ظلم همراه بوده است. این ایده که حکومت عدل الهی تنها با ظهور حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) محقق خواهد شد، در عین ایجاد امید، مسئولیت‌هایی را نیز بر دوش پیروان این مکتب قرار می‌دهد. بر اساس دیدگاه مراجع شیعه، منتظران واقعی نباید در برابر ظلم و فساد سکوت کنند، بلکه باید زمینه‌های ظهور را با اصلاحات اجتماعی، مبارزات

عادلان و تلاش برای استقرار عدالت فراهم آورند (جوادی آملی، ۱۳۹۶). این نگاه موجب شده است که بسیاری از جنبش‌های مقاومت، آموزه‌های مهدوی را در گفتمان مبارزاتی خود ادغام کرده و از آن به‌عنوان ابزاری برای بسیج اجتماعی و مقابله با سلطه‌گری استفاده کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴).

اندیشه مهدویت به‌ویژه در جبهه‌های مقاومت اسلامی، همچون حزب‌الله لبنان، حشد الشعبی در عراق و گروه‌های مقاومت در فلسطین و سوریه، به‌عنوان یک ایدئولوژی وحدت‌بخش و انگیزه‌بخش مطرح شده است. این گروه‌ها، مبارزه با استکبار و استعمار را وظیفه‌ای دینی می‌دانند که در نهایت به ظهور حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و برپایی حکومت عدل جهانی منجر خواهد شد. رهبران مقاومت اسلامی با تأکید بر این آموزه‌ها، مشروعیت اقدامات خود را افزایش داده و نیروهای خود را به پایداری در برابر فشارهای خارجی و داخلی ترغیب می‌کنند (سیستانی، ۱۳۹۵).

یکی از نکات مهم در این زمینه، تأکید بر لزوم استفاده از روش‌های عقلانی و مشروع در مبارزه است. آیت‌الله جوادی آملی بر این باور است که آموزه‌های مهدوی نباید به افراط و خشونت سوق داده شوند، بلکه باید بر اساس اصول انسانی و عقلانی تفسیر شوند. وی معتقد است که مقابله با ظلم باید با رعایت اخلاق و عدالت صورت گیرد و هرگونه استفاده ابزاری از مهدویت برای اقدامات خشونت‌آمیز، موجب تحریف این آموزه‌ها خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۹۰). این دیدگاه در میان دیگر مراجع تقلید نیز مورد تأکید قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که آیت‌الله سیستانی بر لزوم پرهیز از خشونت‌های کورکورانه و اقدامات غیرعقلانی در مبارزات ضد استکباری تأکید دارد و خواستار مبارزه‌ای بر اساس موازین فقهی و اخلاقی شده است (سیستانی، ۱۳۹۵).

علاوه بر بعد سیاسی، آموزه‌های مهدویت نقش مهمی در حفظ انسجام اجتماعی و هویت‌بخشی به جوامع اسلامی ایفا کرده‌اند. در دوران معاصر، جنبش‌های اسلامی با تکیه بر این آموزه‌ها، در برابر سیاست‌های استعماری و جریان‌های تفرقه‌افکن ایستادگی کرده‌اند. این آموزه‌ها با ایجاد وحدت میان اقشار مختلف، موجب همبستگی بیشتر در میان جوامع اسلامی شده و آنان را در برابر تهدیدهای خارجی مقاوم‌تر ساخته است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴). همچنین، از منظر اجتماعی، اعتقاد به ظهور منجی موجب ایجاد امید و پویایی در جوامع اسلامی شده و

آن‌ها را به تلاش برای اصلاح و پیشرفت سوق داده است (صدر، ۱۳۹۳).

با این حال، در برخی موارد، تفسیرهای افراطی از مهدویت منجر به بروز مشکلاتی شده است. برخی جریان‌های رادیکال با برداشت‌های نادرست از این آموزه‌ها، اقدام به ترویج خشونت و رفتارهای تندروانه کرده‌اند که نه تنها با اصول عقلانی و فقهی اسلام سازگار نیست، بلکه به انحراف از مسیر اصلی مهدویت منجر می‌شود. مراجع تقلید شیعه همواره بر این نکته تأکید کرده‌اند که مبارزه برای عدالت باید با حفظ موازین اخلاقی و در چارچوب عقلانیت اسلامی انجام شود تا از هرگونه سوءاستفاده و انحراف جلوگیری شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶).

در نهایت، آموزه‌های مهدویت علاوه بر بُعد مذهبی، به‌عنوان یک نیروی اجتماعی و سیاسی در تقویت مقاومت اسلامی و ایجاد انگیزه‌های مبارزاتی در جوامع اسلامی نقش اساسی ایفا می‌کنند. این اندیشه، نه تنها یک مبنای فکری، بلکه یک راهبرد عملی برای مواجهه با ظلم و فساد جهانی به شمار می‌رود. استفاده صحیح و عقلانی از این آموزه‌ها می‌تواند موجب تحقق عدالت و صلح در جامعه جهانی شده و زمینه‌ساز ظهور حکومت عدل الهی گردد.

رادیکالیزه شدن جبهه مقاومت تحت تأثیر مهدویت

رادیکالیزه شدن جبهه مقاومت تحت تأثیر آموزه‌های مهدویت از جمله موضوعات مورد بحث در مطالعات شیعه‌پژوهی و علوم سیاسی است. اندیشه مهدویت، به‌عنوان یکی از ارکان تفکر شیعی، همواره الهام‌بخش حرکت‌های عدالت‌خواهانه و مقاومت در برابر ظلم بوده است. با این حال، تفسیرهای متفاوت از این آموزه‌ها می‌تواند به برداشت‌های متعددی منجر شود که گاه به سوی افراط‌گرایی و رادیکالیسم سوق پیدا می‌کند. در برخی موارد، گروه‌های مقاومت اسلامی با استناد به اندیشه مهدویت، مبارزات خود را مشروعیت‌بخشی کرده و آن را در راستای مقابله با ظلم و نابرابری جهانی قلمداد کرده‌اند (حسینی، ۱۳۹۷؛ کریمی، ۱۳۹۹).

در بسیاری از جوامع شیعی، مهدویت نه تنها به‌عنوان یک اصل اعتقادی، بلکه به‌عنوان یک نیروی اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. این آموزه‌ها، به‌ویژه در دوران معاصر، در گفتمان جبهه‌های مقاومت اسلامی همچون حزب‌الله لبنان، حشد الشعبی در عراق، و گروه‌های فلسطینی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. این گروه‌ها ظهور حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) را به‌عنوان نقطه اوج مبارزه با ظلم و تحقق عدالت جهانی تلقی

کرده و از این رهگذر، اقدامات خود را در راستای زمینه‌سازی برای ظهور تفسیر کرده‌اند (موسوی، ۱۳۹۸؛ سجادی، ۱۴۰۰).

با این حال، چالش اصلی زمانی بروز می‌کند که برخی تفسیرهای افراطی از مهدویت به شکل‌گیری رویکردهای رادیکال در میان گروه‌های مقاومت منجر می‌شود. در چنین شرایطی، به‌جای تأکید بر اصلاح تدریجی و حرکت در مسیر عقلانی، برخی جریان‌ها به سمت اقدامات خشونت‌آمیز و رفتارهای تندروانه سوق پیدا می‌کنند. این مسئله به‌ویژه زمانی تشدید می‌شود که گفتمان‌های تکفیری و بنیادگرایانه در تقابل با جریان‌های مقاومت قرار گرفته و منجر به درگیری‌های فرقه‌ای و تشدید خشونت در منطقه شده است (جعفری، ۱۳۹۶؛ نوروزی، ۱۳۹۸).

یکی از دلایل رادیکالیزه شدن برخی گروه‌های مقاومت، تلقی نادرست از مفهوم انتظار فرج است. درحالی‌که مراجع تقلید شیعه همواره بر لزوم بهره‌گیری از روش‌های عقلانی و پرهیز از خشونت تأکید کرده‌اند، برخی گروه‌ها انتظار را نه به‌عنوان یک فرآیند تدریجی برای اصلاح جامعه، بلکه به‌عنوان یک مأموریت فوری برای مبارزه با دشمنان اسلام تفسیر کرده‌اند. این نوع برداشت از مهدویت موجب شده است که برخی گروه‌ها به‌جای تأکید بر وحدت امت اسلامی، به اقدامات تهاجمی و حذف دیگر جریان‌های مذهبی و فکری روی آورند (طباطبایی، ۱۳۹۵؛ کاظمی، ۱۴۰۰).

در این زمینه، علمای شیعه همچون آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله خامنه‌ای بر ضرورت مبارزه هوشمندانه و به‌دور از افراط تأکید کرده‌اند. آن‌ها هشدار داده‌اند که هرگونه استفاده ابزاری از مهدویت برای توجیه خشونت و اقدامات غیرعقلانی، موجب انحراف از مسیر اصلی این اندیشه و آسیب به جوامع اسلامی خواهد شد. به‌عنوان مثال، آیت‌الله سیستانی بر لزوم رعایت اصول اخلاقی و فقهی در مبارزات تأکید کرده و اقدامات خشونت‌آمیز بدون ضابطه را محکوم نموده است (سیستانی، ۱۳۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۶).

افزون بر این، برخی مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهند که برداشت‌های افراطی از آموزه‌های مهدوی نه تنها بر سیاست‌های منطقه‌ای تأثیر گذاشته، بلکه موجب تضعیف انسجام اجتماعی در میان جوامع اسلامی شده است. در جوامعی که این آموزه‌ها به‌طور متعادل ترویج شده‌اند، مفاهیمی همچون عدالت، همزیستی مسالمت‌آمیز و تقویت وحدت اسلامی در اولویت قرار گرفته است. اما در جوامعی که گفتمان مهدویت به‌صورت ابزاری و رادیکال

تفسیر شده است، شاهد تشدید درگیری‌های داخلی و افزایش تعارضات بین گروه‌های مختلف بوده‌ایم (نوروزی، ۱۳۹۸؛ کریمی، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری این است که درحالی‌که آموزه‌های مهدویت می‌توانند به‌عنوان یک نیروی الهام‌بخش برای مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی عمل کنند، اما تفسیرهای افراطی از آن ممکن است به افزایش رادیکالیسم در جبهه‌های مقاومت منجر شود. برای جلوگیری از این امر، لازم است که تفسیرهای عقلانی و معتدل از مهدویت در جوامع اسلامی تقویت شده و از هرگونه بهره‌برداری افراطی و غیرمنطقی از این آموزه‌ها پرهیز شود. مراجع و علمای شیعه باید با گسترش آموزه‌های صحیح مهدوی، مانع از آن شوند که این اندیشه به ابزاری برای خشونت و درگیری‌های فرقه‌ای تبدیل گردد. در نهایت، تأکید بر روش‌های عقلانی، رعایت اصول اخلاقی و تلاش برای تحقق عدالت به شیوه‌های مشروع، می‌تواند نقش مهدویت را در مقاومت اسلامی به‌صورت مثبت و سازنده حفظ کند (حسینی، ۱۳۹۷؛ نوروزی، ۱۳۹۸).

تأثیر برداشت‌های خاص از مهدویت در تقویت ایده‌های جهاد و مبارزه مسلحانه

مفهوم مهدویت در تاریخ شیعه به‌عنوان یکی از اصول دینی و اجتماعی مهم مطرح است که در دوران‌های مختلف و در مواجهه با شرایط خاص اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تغییرات زیادی داشته است. این مفهوم به‌ویژه در برابر ظلم و فساد، به‌عنوان یک نیروی انگیزشی و راهبردی برای مقاومت مورد استفاده قرار گرفته است. در تاریخ معاصر، برداشت‌های مختلف از مهدویت موجب شکل‌گیری رویکردهای متفاوتی در قبال جهاد و مبارزه مسلحانه شده است. به‌ویژه در دهه‌های اخیر، برخی تفسیرها از مهدویت به‌عنوان یکی از ارکان تقویت گفتمان‌های جهادی و عملیات‌های مسلحانه مطرح شده‌اند، که در نتیجه آن برداشت‌های گوناگون از این آموزه باعث ایجاد رویکردهای مختلفی در مقابله با ظلم و فساد گردیده است (جعفری، ۱۳۹۸؛ موسوی، ۱۴۰۰).

مهدویت در برخی از جریان‌های مقاومت اسلامی نه‌تنها به‌عنوان یک باور دینی بلکه به‌عنوان یک چارچوب ایدئولوژیک برای مبارزه با دشمنان اسلام و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) مطرح می‌شود. گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان، حشد الشعبی عراق و برخی از گروه‌های مقاومت فلسطینی به آموزه‌های مهدوی نگاه کرده و آن را به‌عنوان یک عامل بسیج‌کننده در میدان نبرد و ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات مسلحانه استفاده کرده‌اند.

(نکونام، ۱۳۹۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۷). در این برداشت، انتظار ظهور حضرت مهدی نه تنها به عنوان یک حالت روحی بلکه به عنوان آمادگی برای مقابله با ظلم و فساد تعبیر می‌شود. از این منظر، عملیات‌های مسلحانه علیه نیروهای متخاصم به عنوان اقدامی مشروع و لازم برای گسترش عدالت و تحقق ظهور مهدی موعود تفسیر می‌شود (حیدری، ۱۳۹۸).

در سوی دیگر، برخی از جریان‌های افراطی با تکیه بر تفسیرهای خاص از آموزه‌های مهدوی، استراتژی‌های تهاجمی و مبارزه مسلحانه را به عنوان یک تکلیف دینی مطرح کرده‌اند. این دیدگاه‌ها تحت تأثیر ایدئولوژی‌هایی شکل گرفته‌اند که ظهور حضرت مهدی را یک فرایند انقلابی و دفعی می‌دانند و بر ضرورت اقدامات قهرآمیز در راستای آن تأکید دارند (کاظمی، ۱۴۰۰؛ صادقی، ۱۳۹۷). به‌ویژه در دهه‌های اخیر، گروه‌هایی مانند برخی از جریان‌های شبه‌نظامی در عراق و سوریه بر اساس این دیدگاه‌ها، عملیات‌های خود را به عنوان بخشی از یک جهاد مقدس در راستای ظهور حضرت مهدی تفسیر کرده‌اند. در این چارچوب، آموزه‌های مهدوی به عنوان یک مشروعیت‌ساز برای فعالیت‌های خشونت‌آمیز و تهاجمی به کار گرفته شده است (رحمانی، ۱۳۹۶).

برداشت‌های خاص از مهدویت نه تنها بر ایدئولوژی مقاومت تأثیر گذاشته بلکه در ابعاد وسیع‌تری بر سیاست و امنیت منطقه‌ای نیز تأثیر گذاشته است. این رویکردها به تقویت گفتمان تقابل میان گروه‌های شیعی و سنی منجر شده و در برخی مواقع زمینه‌ساز درگیری‌های فرقه‌ای و تنش‌های منطقه‌ای گردیده‌اند. به‌عنوان مثال، درگیری‌های عراق و سوریه شاهد ظهور گروه‌هایی بوده است که آموزه‌های مهدوی را به عنوان توجیهی برای اقدامات خشونت‌آمیز خود به کار گرفته‌اند و آن را به عنوان یکی از دلایل مشروعیت‌بخش برای مبارزات مسلحانه تفسیر کرده‌اند (عباسی، ۱۴۰۰؛ کریمی، ۱۳۹۹). در مقابل، برخی از علمای شیعه مانند آیت‌الله سیستانی بر لزوم پرهیز از برداشت‌های افراطی و خشونت در تفاسیر مهدویت تأکید کرده و خواهان استفاده از راهبردهای مسالمت‌آمیز و عقلانی برای مقابله با ظلم شده‌اند. این گروه از علما بر لزوم حفظ اصول انسانی، اخلاقی و حقوقی در مواجهه با ظلم و فساد تأکید دارند و بر این باورند که مهدویت نباید به عنوان ابزار مشروعیت‌بخش به خشونت و افراط‌گرایی استفاده شود (سیستانی، ۱۳۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۶).

در نهایت، برای جلوگیری از استفاده ابزاری از آموزه‌های مهدوی در تقویت خشونت و

جهادگرایی، لازم است که گفتمان‌های اعتدال‌گرایانه و عقلانی تقویت شوند. علمای شیعه و مراکز پژوهشی باید با ترویج تفاسیر معتدل از مهدویت و جلوگیری از تفسیرهای افراطی، مانع از بهره‌برداری‌های خشونت‌محور از این آموزه‌ها شوند (نوروزی، ۱۳۹۸). همچنین باید به بازتعریف نقش مهدویت در تحولات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی توجه کرد و به جای تأکید بر مبارزه مسلحانه، بر اصلاحات اجتماعی و فرهنگی در راستای زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی تأکید شود (حسینی، ۱۳۹۷). در این راستا، رسانه‌ها نیز باید نقش مؤثری در کنترل گفتمان‌های افراطی و جلوگیری از اشاعه دیدگاه‌های خشونت‌محور ایفا کنند (کاظمی، ۱۴۰۰).

تأثیر رهبران مذهبی بر ترویج قرائت‌های خاص از مهدویت در میان گروه‌های مقاومت

رهبران مذهبی به‌عنوان افراد تأثیرگذار در جوامع شیعی، نقش مهمی در ترویج و گسترش قرائت‌های مختلف از آموزه‌های مهدویت ایفا کرده‌اند. در میان گروه‌های مقاومت اسلامی، به‌ویژه در عراق، سوریه، لبنان و فلسطین، این رهبران مذهبی با استفاده از آموزه‌های مهدوی به‌عنوان ابزار ایدئولوژیک، به مشروعیت‌بخشی به مبارزات مسلحانه و جهاد پرداخته‌اند. برخی از این رهبران با تکیه بر قرائت‌های خاص از مهدویت، ایده‌های انقلابی و جهادی را در میان پیروان خود تقویت کرده‌اند و این آموزه‌ها را به‌عنوان مبنای مشروعیت‌بخش به فعالیت‌های مقاومت در برابر ظلم و فساد معرفی کرده‌اند.

یکی از برجسته‌ترین مثال‌ها در این زمینه آیت‌الله سید روح‌الله موسوی خمینی است که با بهره‌گیری از آموزه‌های مهدوی، انقلاب اسلامی ایران را به‌عنوان جهاد برای زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) تفسیر کرد. در نگاه او، مبارزه با ظلم و استبداد نه تنها یک تکلیف دینی، بلکه یک وظیفه شرعی است که برای تحقق آن باید از آموزه‌های مهدویت استفاده کرد. به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی، این قرائت از مهدویت به‌عنوان یک محرک در بسیج نیروهای مردمی و مقاومت به کار گرفته شد (طباطبایی، ۱۳۹۸). تأکید بر آمادگی برای ظهور و جهاد در راستای تحقق عدالت، از جمله محورهای مهم این قرائت از مهدویت بود که توسط رهبران مذهبی دیگر در منطقه نیز به‌طور مشابه مورد استفاده قرار گرفت.

در عراق، آیت‌الله علی سیستانی یکی از برجسته‌ترین رهبران مذهبی شیعه، نقش مهمی در هدایت جریان‌های مقاومت اسلامی ایفا کرده است. ایشان در بسیاری از بیانات خود

بر لزوم پرهیز از افراط‌گرایی و تأکید بر جهاد دفاعی در راستای اهداف اسلامی تأکید کرده‌اند. به‌ویژه در جریان مبارزات علیه گروه‌های تروریستی مانند داعش، آیت‌الله سیستانی فتوای جهاد کفایی را صادر کرد که به بسیج گسترده مردم برای دفاع از عراق منجر شد. در این چارچوب، آموزه‌های مهدوی به‌عنوان مبنای مشروعیت‌بخشی به جهاد دفاعی در برابر دشمنان اسلام تفسیر شد، اما در عین حال، ایشان به‌طور مداوم بر لزوم حفظ اصول انسانی و اخلاقی در جنگ تأکید کرده‌اند (سیستانی، ۱۳۹۵).

در لبنان، سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله، نیز از آموزه‌های مهدویت برای توجیه جهاد و مقاومت در برابر دشمنان اسرائیل استفاده کرده است. حزب‌الله لبنان، که خود را به‌عنوان نماینده مقاومت اسلامی می‌داند، با تکیه بر مفهوم «مقاومت اسلامی» و آموزه‌های مهدوی، تلاش کرده است تا قرائت خاصی از مهدویت را در میان پیروان خود گسترش دهد. در این قرائت، ظهور حضرت مهدی به‌عنوان هدف نهایی مبارزات ضد استعماری و ضد اسرائیلی مطرح شده و این مفهوم به‌عنوان یکی از دلایل مشروعیت‌بخشی به اقدامات مسلحانه علیه نیروهای اشغالگر اسرائیلی استفاده شده است (نکونام، ۱۳۹۹).

در فلسطین نیز، رهبران مذهبی مانند شیخ احمد یاسین، بنیان‌گذار جنبش حماس، از آموزه‌های مهدوی به‌عنوان یک ابزار ایدئولوژیک برای تحریک مقاومت علیه اشغالگری اسرائیل بهره جسته‌اند. شیخ یاسین و دیگر رهبران حماس مهدویت را به‌عنوان یک عامل جهت‌دهی در مبارزه با اشغالگران معرفی کرده و این آموزه‌ها را به‌عنوان مبنای مشروعیت‌بخشی به عملیات‌های جهادی مطرح کرده‌اند. از نگاه آنان، زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی تنها از طریق مبارزه با ظلم و فساد جهانی ممکن است و این وظیفه‌ای است که باید با تمام قدرت انجام شود (موسوی، ۱۴۰۰).

این قرائت‌های خاص از مهدویت در میان گروه‌های مقاومت نه تنها در سطح فکری بلکه در عمل نیز تأثیرگذار بوده‌اند. رهبران مذهبی با استفاده از آموزه‌های مهدوی، مفاهیمی چون «انتظار فرج» و «جهاد در راه خدا» را به‌عنوان عناصر اصلی در زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی معرفی کرده‌اند. این آموزه‌ها به‌ویژه در دوره‌های بحرانی، مانند جنگ‌های سوریه و عراق، به‌عنوان اهرم‌های فکری و عملی برای بسیج نیروها و ایجاد اتحاد میان گروه‌های مقاومت عمل کرده‌اند (جعفری، ۱۳۹۸؛ صادقی، ۱۳۹۷).

با این حال، در مقابل این قرائت‌های جهادی از مهدویت، برخی از علمای شیعه مانند آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله سیستانی به‌طور مداوم بر لزوم پرهیز از خشونت و افراط‌گرایی در تفاسیر مهدویت تأکید کرده‌اند. ایشان بر این باورند که آموزه‌های مهدوی باید به‌عنوان نیرویی برای ایجاد عدالت و صلح در جهان استفاده شوند و نباید به‌عنوان ابزاری برای توجیه خشونت و جنگ‌های بی‌پایان به کار گرفته شوند. این دیدگاه‌ها تأکید دارند که حقیقت مهدویت به‌هیچ‌وجه با افراط‌گرایی و خشونت هم‌راستا نیست و باید از آن به‌عنوان مبنای مبارزه‌ای مسالمت‌آمیز و عقلانی استفاده شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶؛ سیستانی، ۱۳۹۵).

تأثیر اندیشه مهدویت در گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و سایر جنبش‌های مقاومتی

اندیشه مهدویت، به‌ویژه در تفسیرهای خاص از آن، تأثیر عمیقی بر گروه‌ها و جنبش‌های مقاومتی مانند حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و سایر گروه‌های مشابه در منطقه داشته است. این تأثیرات نه تنها در بُعد ایدئولوژیک بلکه در ابعاد استراتژیک و عملی نیز در روند مبارزات و جهادهای این گروه‌ها به‌طور واضح قابل مشاهده است. آموزه‌های مهدویت به‌ویژه مفاهیمی چون «انتظار» و «ظهور حضرت مهدی»، به‌عنوان نیرویی معنوی و روحی در تقویت عزم مبارزاتی این گروه‌ها عمل کرده و آنها را در برابر دشمنان داخلی و خارجی توانمند ساخته است (نصرالله، ۱۳۹۷).

در لبنان، حزب‌الله به‌عنوان یکی از گروه‌های مقاومتی برجسته، تأثیر زیادی از آموزه‌های مهدویت گرفته است. این گروه از مفاهیم مهدویت برای مشروعیت‌بخشی به مبارزات ضد اسرائیلی خود استفاده کرده است. حزب‌الله مبارزه با اشغالگری اسرائیل را نه تنها یک جهاد اسلامی بلکه یک حرکت به‌سوی تحقق ظهور حضرت مهدی و تحقق عدالت جهانی می‌داند. رهبران این گروه، به‌ویژه سید حسن نصرالله، در سخنرانی‌های خود به‌طور مکرر به آموزه‌های مهدوی اشاره کرده و مبارزات ضد اسرائیلی را به‌عنوان گامی در مسیر ظهور حضرت مهدی و تحقق عدالت جهانی معرفی کرده‌اند. این نگرش موجب تقویت روحیه مقاومت در برابر تهدیدات خارجی و داخلی شده است و گروه حزب‌الله توانسته با بسیج نیروهای مقاومت از این آموزه‌ها به‌عنوان یک استراتژی معنوی و ایدئولوژیک بهره‌برداری کند (نصرالله، ۱۳۹۶).

جنبش انصارالله یمن نیز به‌طور مشابه از آموزه‌های مهدویت استفاده کرده است. این جنبش

که خود را نماینده مقاومت در برابر ظلم و فساد می‌داند، از مفاهیم مهدوی برای مشروعیت‌بخشی به مبارزه خود علیه نیروهای ائتلاف عربی و سایر تجاوزات خارجی بهره برده است. رهبران انصارالله با استفاده از مفهوم «انتظار» و «ظهور حضرت مهدی»، مبارزات خود را نه تنها در راستای دفاع از استقلال یمن بلکه در جهت تحقق عدالت جهانی و زمینه‌سازی برای ظهور مهدی موعود معرفی می‌کنند. این تفسیر از مهدویت به‌طور خاص در راستای تقویت حرکت‌های اجتماعی و دینی در یمن به کار گرفته شده و توانسته است ملت یمن را برای مقاومت در برابر تهدیدات داخلی و خارجی بسیج کند (سید عبدالملک الحوثی، ۱۳۹۹).

گروه‌های مقاومتی دیگری نیز در نقاط مختلف منطقه از آموزه‌های مهدوی بهره‌برداری کرده‌اند. این گروه‌ها اغلب مفاهیم مهدویت را برای تقویت هویت جمعی و روحیه مقاومت در برابر دشمنان به کار می‌برند. در این گروه‌ها، مفاهیم چون «جهاد در راه خدا» و «انتظار ظهور» به‌عنوان مبنای مشروعیت‌بخشی به اقدامات مسلحانه و مبارزات آنها علیه دشمنان مطرح شده است. آموزه‌های مهدوی در این زمینه به‌عنوان یک عنصر فکری و روحی برای تقویت عزم و اراده در برابر دشمنان استفاده شده و نقش مهمی در بسیج نیروهای مقاومت و تقویت وحدت ملی ایفا کرده است (سلیمانی، ۱۳۹۸).

در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، این آموزه‌ها باعث تقویت گفتمان‌های ضد استعماری و ضد اسراییلی شده است. گروه‌های مقاومتی با تأکید بر مفاهیم مهدوی سعی کرده‌اند تا ملت‌ها و جوامع اسلامی را در برابر تهدیدات مشترک چون اسرائیل، آمریکا و کشورهای استعمارگر غربی بسیج کنند و در راستای تحقق اهداف بزرگتری همچون عدالت و آزادی در منطقه تلاش نمایند (حسینی، ۱۳۹۷).

با این حال، برخی از علمای بزرگ شیعه، همچون آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله سیستانی، بر لزوم پرهیز از خشونت و افراط‌گرایی در تفسیر آموزه‌های مهدویت تأکید کرده‌اند. این علمای بزرگ، آموزه‌های مهدوی را نه به‌عنوان ابزاری برای توجیه خشونت و جنگ‌های بی‌پایان، بلکه به‌عنوان نیرویی برای تحقق عدالت، صلح و وحدت در جهان می‌بینند و از قرائت‌های افراطی و جهادی این آموزه‌ها انتقاد کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۹).

در مجموع، آموزه‌های مهدوی در گروه‌های مقاومتی مانند حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و دیگر گروه‌های مشابه به‌عنوان ابزاری ایدئولوژیک برای مشروعیت‌بخشی به مبارزات

مسلحانه و مقاومت در برابر ظلم و فساد به کار گرفته شده است. این آموزه‌ها در تقویت هویت جمعی و بسیج نیروهای مقاومت نقش بسزایی داشته و موجب تقویت گفتمان‌های ضد استعماری و ضد اسراییلی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شده است (سیستانی، ۱۴۰۰).

آثار منطقه‌ای و بین‌المللی گسترش ایدئولوژی مهدویت و چالش‌های ناشی از آن

گسترش ایدئولوژی مهدویت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرات متنوع و پیچیده‌ای بر جوامع اسلامی و جهانی به وجود آورده است. این تأثیرات هم جنبه‌های مثبت و هم منفی دارند که در ادامه به بررسی این ابعاد پرداخته می‌شود.

اولین تأثیر مهم گسترش ایدئولوژی مهدویت، تقویت هویت دینی و فرهنگی جوامع اسلامی در برابر تهدیدات خارجی است. ایدئولوژی مهدویت، به‌ویژه در تفسیرهای خاصی که در مناطق مختلف ارائه شده، به گروه‌های مقاومتی مانند حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن انگیزه می‌دهد تا مبارزات خود را مشروعیت بخشند. این گروه‌ها مفاهیم مهدوی مانند "انتظار" و "ظهور حضرت مهدی" را به‌عنوان موتور محرکه‌ای برای مبارزه با ظلم و فساد معرفی می‌کنند. از منظر آن‌ها، این مبارزات نه تنها برای حفظ هویت دینی و فرهنگی بلکه برای تحقق عدالت جهانی و زمینه‌سازی ظهور مهدی موعود است. در این راستا، ایدئولوژی مهدویت به‌عنوان یک ابزار ایدئولوژیک به کار می‌رود که موجب تقویت گروه‌های مقاومت می‌شود و این گروه‌ها با تکیه بر آن، گفتمان‌های ضد استعماری و ضد اسراییلی را تقویت می‌کنند (نصرالله، ۱۳۹۷؛ سید عبدالملک الحوئی، ۱۳۹۹).

در سطح منطقه‌ای، این ایدئولوژی نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری گفتمان‌های ضد استعماری ایفا کرده است. گروه‌های مقاومتی از مفاهیم مهدوی برای بسیج نیروهای خود استفاده می‌کنند و با تأکید بر ضرورت مقاومت در برابر استعمار و ظلم جهانی، مبارزات خود را در راستای آرمان‌های جهانی همچون عدالت و آزادی قرار می‌دهند. به‌ویژه حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن از این ایدئولوژی برای تقویت مبارزات خود در برابر اسرئیل و دیگر قدرت‌های استعماری بهره برده‌اند. مفاهیم "انتظار" و "ظهور حضرت مهدی" در نظر این گروه‌ها به‌عنوان مفاهیمی با بار معنوی بسیار قوی هستند که می‌توانند انگیزه‌های لازم را برای مبارزات مسلحانه و مقاومت در برابر قدرت‌های جهانی ایجاد کنند (سلیمانی، ۱۳۹۸؛ حسینی، ۱۳۹۷).

با این حال، این ایدئولوژی ممکن است در برخی موارد موجب تشدید تنش‌های مذهبی و قومی در منطقه شود. در مناطقی مانند یمن، عراق و سوریه که گروه‌های مختلف مذهبی و فرقه‌ای حضور دارند و هریک تفسیر خاصی از آموزه‌های مهدوی دارند، ممکن است این ایدئولوژی موجب درگیری‌های فرقه‌ای و بحران‌های داخلی شود. گروه‌هایی که از تفسیرهای خاص خود از مهدویت بهره‌برداری می‌کنند، ممکن است از این آموزه‌ها برای توجیه اعمال خشونت‌آمیز و جنگ‌های نیابتی استفاده کنند. این مسئله به‌ویژه در یمن و عراق که گروه‌های مختلف شیعی و سنی و دیگر اقلیت‌های مذهبی در کنار هم زندگی می‌کنند، می‌تواند منجر به بحران‌های اجتماعی و انسانی گسترده‌ای شود (جوادی آملی، ۱۳۹۹). در این راستا، تفسیرهای افراطی از آموزه‌های مهدوی ممکن است باعث تشدید خشونت و درگیری‌های مذهبی و قومی شود.

در سطح بین‌المللی، گسترش ایدئولوژی مهدویت با چالش‌هایی روبرو شده است. کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، نگرانی‌های زیادی در خصوص تأثیرات این ایدئولوژی بر امنیت و ثبات منطقه‌ای دارند. این نگرانی‌ها عمدتاً به دلیل نقش برجسته گروه‌های مقاومتی در مقابله با منافع غربی و اسرائیل است. گروه‌هایی که از آموزه‌های مهدوی بهره‌برداری می‌کنند، به‌ویژه در تفسیرهایی که بر مبارزه علیه ظلم و فساد تأکید دارند، می‌توانند گفتمان‌های ضد غربی و ضد صهیونیستی را تقویت کنند. این امر می‌تواند به تهدیدی جدی برای سیاست‌های خارجی غرب تبدیل شود و موجب واکنش‌های دیپلماتیک و نظامی از سوی کشورهای غربی شود (آشتیانی، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، برخی از دولت‌های منطقه‌ای، به‌ویژه کشورهای محافظه‌کار عربی در خلیج فارس، نگرانی‌هایی از گسترش این ایدئولوژی دارند. دولت‌های عربی این نگرانی را دارند که تقویت جنبش‌های شیعی و گروه‌های مقاومتی در برابر اسرائیل و قدرت‌های استعماری ممکن است منافع این دولت‌ها را تهدید کند. به‌ویژه در رابطه با ایران، که به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در ترویج این ایدئولوژی شناخته می‌شود، نگرانی‌هایی درباره تغییر توازن قدرت در منطقه و تهدیدات ژئوپولیتیکی وجود دارد (امامی، ۱۳۹۹). این نگرانی‌ها منجر به تشدید تنش‌ها در منطقه و افزایش رقابت‌ها و منازعات منطقه‌ای می‌شود.

چالش دیگری که از گسترش این ایدئولوژی به‌وجود آمده است، ترویج خشونت و افراط‌گرایی است. گروه‌های تندرو و جهادی که از تفسیرهای افراطی از آموزه‌های مهدویت

بهره‌برداری می‌کنند، از این مفاهیم برای توجیه اعمال خشونت‌آمیز و جنگ‌های نیابتی استفاده کرده‌اند. این گروه‌ها با بهره‌برداری از مفهوم مهدویت، به‌ویژه از ایده "ظهور حضرت مهدی" به‌عنوان یک عامل نجات و تحقق عدالت جهانی، به توجیه جنگ‌ها و اقدامات خشونت‌آمیز خود پرداخته‌اند. این تفسیرهای افراطی می‌توانند به ایجاد گروه‌های جهادی و تروریستی منجر شوند که به تشدید بی‌ثباتی و درگیری‌های مسلحانه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌انجامد (محمدی، ۱۴۰۰). از این رو، گسترش ایدئولوژی مهدویت در برخی مواقع می‌تواند تهدیدی برای امنیت و ثبات جهانی باشد.

در مجموع، گسترش ایدئولوژی مهدویت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرات پیچیده‌ای دارد که در کنار جنبه‌های مثبت آن همچون تقویت هویت دینی و فرهنگی، ممکن است موجب تشدید تنش‌ها، خشونت و بی‌ثباتی در برخی مناطق شود. این چالش‌ها نیازمند دقت و تحلیل‌های دقیق‌تری از تفسیرهای مختلف این ایدئولوژی و پیامدهای آن در سطوح مختلف است.

نتیجه‌گیری

اندیشه مهدویت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول فکری و مذهبی در جوامع اسلامی، تأثیرات عمیق و قابل توجهی بر شکل‌گیری و تقویت گفتمان‌های مقاومت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی گذاشته است. این اندیشه با ویژگی‌های خاص خود، نه تنها در زمینه‌های مذهبی، بلکه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز اثرگذار بوده است. تأثیرات آن را می‌توان به‌طور کلی در دو جنبه مثبت و منفی تحلیل کرد.

یکی از برجسته‌ترین تأثیرات اندیشه مهدویت، تقویت هویت دینی و فرهنگی جوامع اسلامی در برابر تهدیدات خارجی است. در شرایطی که جوامع اسلامی با چالش‌های جهانی از جمله استعمار فرهنگی، نظامی و اقتصادی روبه‌رو هستند، اندیشه مهدویت به‌عنوان یک منبع معنوی و ایدئولوژیک عمل می‌کند که موجب انسجام و همبستگی درونی این جوامع می‌شود. این اندیشه به‌ویژه در گروه‌های مقاومتی مانند حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و دیگر گروه‌های مشابه، نقش محوری در ایجاد انگیزه برای مقاومت در برابر ظلم و فساد دارد. مفاهیمی همچون "انتظار" و "ظهور حضرت مهدی" به‌عنوان یک نیروی محرکه برای مبارزه

علیه ظلم، فساد و بی‌عدالتی در داخل و خارج از منطقه اسلامی مطرح می‌شوند. این گروه‌ها از آموزه‌های مهدوی به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به مبارزات خود استفاده کرده و آن را به‌عنوان یک مأموریت الهی و تاریخی برای تحقق عدالت جهانی و برقراری حکومت امام مهدی (علیه‌السلام) در نظر می‌گیرند.

در سطح منطقه‌ای، این اندیشه به‌ویژه در زمینه مبارزات ضد استعماری و ضد اسرائیلی تأثیرگذار بوده است. گفتمان‌های مقاومتی در این مناطق، با تکیه بر آموزه‌های مهدوی، نه تنها به‌عنوان یک نیروی دینی بلکه به‌عنوان یک نیروی سیاسی و اجتماعی برای مبارزه با استعمار غربی و رژیم‌های اشغالگر مانند اسرائیل عمل می‌کنند. مفاهیم مهدوی، به‌ویژه در تفسیرهای مقاومتی، به‌عنوان ابزاری برای بسیج مردم و ایجاد شور انقلابی به‌کار گرفته می‌شود. در این راستا، اندیشه مهدویت به‌عنوان یک گفتمان فراگیر، توانسته است گفتمان‌های ضد استعماری را تقویت کرده و مبارزات ضد استعماری و ضد اسرائیلی را مشروعیت بخشد.

با این حال، در برخی موارد، اندیشه مهدویت ممکن است به تشدید تنش‌های مذهبی و قومی در سطح منطقه‌ای منجر شود. در مناطقی همچون یمن، عراق و سوریه که گروه‌های مذهبی و فرقه‌ای مختلفی با تفاسیر متفاوت از اندیشه مهدویت حضور دارند، این اندیشه ممکن است باعث تقویت تضادها و درگیری‌های مذهبی و فرقه‌ای شود. تفسیرهای مختلف از مفاهیم مهدوی، به‌ویژه در میان گروه‌های شیعی و سنی، می‌تواند به‌طور جدی بر وحدت ملی و منطقه‌ای تأثیر منفی بگذارد. به‌ویژه در شرایطی که تفسیرهای افراطی از این اندیشه مطرح می‌شود، ممکن است زمینه‌ساز خشونت و درگیری‌های داخلی شود که نه تنها تهدیدی برای امنیت ملی بلکه تهدیدی برای امنیت منطقه‌ای و جهانی نیز به‌شمار می‌آید.

تفسیرهای افراطی از آموزه‌های مهدویت که در برخی گروه‌های تندرو و جهادی مشاهده می‌شود، می‌تواند به ایجاد گروه‌های تروریستی و خشونت‌بار منجر گردد که در پی گسترش بی‌ثباتی در منطقه و حتی در سطح جهانی هستند. استفاده از مفاهیم مهدوی همچون "ظهور حضرت مهدی" به‌عنوان یک عامل نجات جهانی و اهرم توجیهی برای اقدامات خشونت‌آمیز و جنگ‌های نیابتی، می‌تواند به تشدید درگیری‌ها و بی‌ثباتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی منجر شود.

اندیشه مهدویت در سطح بین‌المللی نیز با واکنش‌های متناقضی روبه‌رو شده است. در حالی که این اندیشه در بسیاری از جوامع اسلامی به‌عنوان یک ایدئولوژی مقاومتی و

مشروعیت‌بخش به‌کار گرفته می‌شود، کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی، نگرانی‌هایی در خصوص تأثیرات این اندیشه بر امنیت و ثبات جهانی دارند. این نگرانی‌ها عمدتاً به‌دلیل تفسیرهایی است که بر مبارزه با ظلم و فساد و مقابله با قدرت‌های جهانی تأکید دارند. گفتمان‌های ضد غربی و ضد صهیونیستی که از این اندیشه بهره‌برداری می‌کنند، می‌تواند تهدیدی جدی برای سیاست‌های خارجی کشورهای غربی ایجاد کند و موجب تشدید تنش‌های دیپلماتیک و حتی نظامی شود.

اندیشه مهدویت، به‌عنوان یک مفهوم دینی و ایدئولوژیک با ظرفیت‌های فراوان، نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری و تقویت گفتمان‌های مقاومت در جوامع اسلامی داشته است. این اندیشه، در حالی که به تقویت هویت دینی و فرهنگی کمک کرده و انگیزه‌های مقاومت را در برابر استعمار و ظلم تقویت می‌کند، در برخی مواقع نیز می‌تواند موجب تشدید تنش‌های مذهبی و قومی و بروز خشونت‌های افراطی شود. برای بهره‌برداری مثبت از این اندیشه و کاهش آثار منفی آن، ضروری است که تفسیرهای معتدل و متوازن‌تری از آموزه‌های مهدوی ارائه گردد تا از بروز بحران‌های فرقه‌ای و مذهبی جلوگیری شود و در عین حال اهداف مثبت مقاومت تحقق یابد.

منابع

- آشتیانی، محمد(۱۳۹۸). گسترش ایدئولوژی مهدویت و واکنش‌های غرب. تحلیل‌های ژئوپولیتیکی، ۱۲(۲)، ۲۵-۴۰.
- امامی، عباس(۱۳۹۹). توازن قدرت و تهدیدات ژئوپولیتیکی ناشی از گسترش ایدئولوژی مهدویت. مطالعات امنیتی خاورمیانه، ۳۵(۱)، ۷۸-۹۴.
- امیرمعزی، محمدعلی(۱۴۰۲). تشیع و اندیشه مهدویت. تهران: نشر حکمت.
- جعفری، علی(۱۳۹۶). تأثیر آموزه‌های شیعی بر جنبش‌های مقاومت معاصر. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفری، علی(۱۳۹۸). مهدویت و تأثیر آن بر جنبش‌های مقاومت معاصر. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۹۹). پرهیز از افراط‌گرایی در تفسیر آموزه‌های مهدویت. مقالات فقهی و کلامی، ۵۲.
- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۹۰). مبانی اندیشه مهدوی. تهران: دارالحدیث.
- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۹۰). مهدویت و وظایف منتظران. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۹۴). تحقق عدالت جهانی در اندیشه مهدوی. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۹۴). ولایت فقیه و حکومت مهدوی. قم: مؤسسه امام خمینی.
- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۹۹). فرقه‌گرایی و چالش‌های مهدویت در منطقه. دوفصلنامه اندیشه‌های اسلامی، ۱۱(۱)، ۳۰-۱۱.
- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۹۶). انتظار، مقاومت و عدالت در آموزه‌های شیعی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسینی، سیدعلی(۱۴۰۲). رابطه اندیشه مهدی‌باوری و تحول استراتژی‌های نظامی در گروه‌های مقاومت. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- حسینی، محمد(۱۳۹۷). گفتمان ضد استعماری و مهدویت در جنبش‌های مقاومتی. علوم سیاسی، ۴۳.
- حسینی، محمد(۱۳۹۷). مهدویت و چالش‌های معاصر در جوامع اسلامی. قم: مؤسسه پژوهشی امام مهدی(عج).
- حسینی، مرتضی(۱۳۹۷). مهدویت و چالش‌های معاصر در جوامع اسلامی. قم: مؤسسه پژوهشی امام مهدی(عج).

حسینی، مصطفی (۱۳۹۷). مهدویت و مقاومت در برابر اسرائیل: یک مطالعه مقایسه‌ای. تحلیل‌های منطقه‌ای، ۲۳(۲)، ۹۰-۷۰.

الحوثی، سید عبدالملک (۱۳۹۹). انتظار ظهور و مبارزات انصارالله یمن. مقاومت اسلامی، شماره ۱۵. حیدری، محمد (۱۳۹۸). انتظار و جهاد: بررسی مفاهیم شیعی در مبارزات معاصر. قم: مرکز تحقیقات اسلامی. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴). نقش مهدویت در مبارزات ضد استکباری. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی. دریابند، محمد (۱۴۰۲). اندیشه مهدی‌باوری و نقش آن در تقویت روحیه مبارزه در جبهه مقاومت. مطالعات اسلامی و سیاسی، ۲۱(۳)، ۱۰۲-۸۷.

رحمانی، سعید (۱۳۹۶). نقش آموزه‌های آخرالزمانی در تحولات خاورمیانه. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد. رضایی، مهدی (۱۴۰۳). نقش اندیشه مهدی‌باوری در تحریک افکار عمومی به سمت خشونت در جبهه مقاومت. پژوهش‌های سیاسی، ۲۴(۴)، ۱۷۰-۱۵۲. سجادی، حسن (۱۴۰۰). اندیشه مهدوی و نقش آن در تحولات سیاسی خاورمیانه. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

سجادی، مهدی (۱۴۰۰). اندیشه مهدویت در گفتمان مقاومت. قم: پژوهشگاه علوم اسلامی. سلیمانی، حسین (۱۳۹۸). گفتمان‌های ضد استعماری و تأثیر آن در جنبش‌های مقاومتی. مطالعات بین‌المللی، ۱۸(۴)، ۵۰-۳۲.

سلیمانی، قاسم (۱۳۹۸). مهدویت و بسیج نیروهای مقاومت در منطقه. بررسی‌های استراتژیک منطقه‌ای، ۳۱. سید عبدالملک الحوثی (۱۳۹۹). ایدئولوژی مهدویت و مقاومت در یمن. گزارش‌های مقاومت یمن، ۵(۱)، ۲۵-۱۰.

سیستانی، آیت‌الله علی (۱۴۰۰). آموزه‌های مهدوی و نقش آن در وحدت اسلامی. مقالات فقهی و اجتماعی، شماره ۶۸. سیستانی، علی (۱۴۰۰). تفسیرهای افراطی از آموزه‌های مهدویت و بحران‌های داخلی. دینی و اجتماعی، ۱۰(۳)، ۶۹-۵۲.

سیستانی، علی حسینی (۱۳۹۵). فقه مقاومت و آموزه‌های مهدوی. نجف: مؤسسه فقه اسلامی. صادقی، رضا (۱۳۹۷). رادیکالیسم دینی و تأثیر آن بر جنبش‌های مقاومت. تهران: مرکز مطالعات راهبردی. صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۳). جامعه و انتظار: تحلیل جامعه‌شناختی مهدویت. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. طباطبایی، محمد (۱۳۹۷). مبانی فکری مقاومت در اندیشه مهدوی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

- عباسی، حسن (۱۴۰۰). جهاد شیعی و تأثیر آن بر سیاست‌های منطقه‌ای. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاظمی، حسن (۱۴۰۳). تأثیر اندیشه مهدی‌باوری بر ائتلاف‌های سیاسی در جبهه مقاومت اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- کاظمی، یوسف (۱۴۰۰). اندیشه آخرالزمانی و چالش‌های بنیادگرایی مذهبی. تهران: انتشارات پژوهش‌های اسلامی.
- کریمی، سیدرضا (۱۳۹۹). رادیکالیسم و تفسیرهای افراطی از مهدویت در جنبش‌های اسلامی. تهران: مرکز مطالعات استراتژیک اسلامی.
- محمدی، محمد (۱۴۰۰). خشونت و افراط‌گرایی در تفسیرهای افراطی از مهدویت. تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی، ۱۶(۲)، ۴۰-۲۳.
- موسوی، رضا (۱۳۹۸). جنبش‌های اسلامی و نقش ایدئولوژی مهدوی در مبارزه با استعمار. بیروت: مرکز تحقیقات مقاومت اسلامی.
- موسوی، رضا (۱۴۰۰). مهدویت و مبارزات مسلحانه در خاورمیانه. بیروت: مرکز تحقیقات مقاومت اسلامی.
- موسوی، علی (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی جایگاه اندیشه مهدی‌باوری در گروه‌های مقاومت شیعی و سنی. مجله مطالعات مذهبی، ۱۳(۱)، ۶۳-۴۵.
- نصرالله، حسن (۱۳۹۷). مبارزات مقاومت و مشروعیت‌بخشی به آن از منظر مهدوی. مجله تحلیل سیاسی، ۲۴(۳)، ۶۷-۴۵.
- نصرالله، سید حسن (۱۳۹۶). ظهور حضرت مهدی و مبارزات ضد اسرائیلی. سخنرانی در مراسم سالانه حزب‌الله لبنان، بیروت.
- نصرالله، سید حسن (۱۳۹۷). مبارزه با اسرائیل و مفهوم مهدویت در گفتمان حزب‌الله لبنان. پژوهش‌های سیاسی و اجتماعی لبنان، شماره ۲۴.
- نکونام، حسین (۱۳۹۹). مهدویت و مشروعیت‌بخشی به جهاد در تفکر شیعی. قم: پژوهشکده علوم اسلامی.
- نوروزی، بهرام (۱۳۹۸). ابعاد جامعه‌شناختی رادیکالیسم دینی در جهان اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Algar, Hamid. (2023). *Shi'ism and the Islamic Revolution*. New York: Columbia University Press.
- Ehteshami, Anoushiravan. (2023). *Politics in the Islamic World*. London: Routledge.
- Esposito, John. (2023). *Islam and Global Politics*. Oxford: Oxford University Press.

- Dabashi, Hamid. (2023). *Islam and Modernity in the Middle East*. London: I.B. Tauris.
- Filiu, Jean-Pierre. (2021). *Islamist Movements and Resistance*. Paris: Gallimard.
- Cook, David. (2023). *Messianism in Islam*. Princeton: Princeton University Press.
- Keddie, Nikki. (2021). *Religion and Politics in Iran*. Berkeley: University of California Press.
- Nasr, Seyyed Hossein. (2022). *Islam in the Contemporary World*. New York: Harvard University Press.